**بســـــــم الله الرحمن الرحیم**

رسالة الانسان قبل الدنيا

الرسائل التوحيدية، ص: 164

و ظواهر الكتاب و السنة تدل على ما مرّ قال تعالى: أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِين‏ (اعراف/54)

* بررسی تکالیف و تمرینات:
* در [این فیلم](https://bahjat.ir/sites/default/files/atoms/video/4%D8%B9%D9%86%D8%AF%20%D9%82%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86_x264.mp4)، اطلاق عبارت «عند قبر الحسین (ع)» را حسب مدعای آیت الله بهجت رحمه‌الله منطبق بر هندسه مورد بحث کلاس تنقیح نمایید.

توسعه در مناط صدق «عند»، به‌حساب حال باطنی[[1]](#footnote-1) و یا اضطرار عرفی در تحصیل آن است. این، مدعا است. توسعه حکم (استحباب خاص دعا مثلاً) با توجه به مناط نیازمند دلیل حاکم مستقل است و ممکن است یافت بشود و یا نه و لابدّ من الفحص اما در مدعا نیازی به این دلیل نیست. البته روشن است که تحریر مدعا خود نیاز به مقدمات پیچیده سابق دارد و مثلاً بایست اثبات شود که اگر کسی در درون خود خودش را نزد قبر یافت اما از جهت فیزیکی دور بود، مشمول اراده معصوم علیه‌السلام که برای موضوع عند حکم خاصی را اعتبار نموده‌اند، می‌شود و یا اینکه باید گفت در فرض اضطرار نوعی یا شخصی، خود عرف باتوجه به منظومه شرایط و از آن جمله طبیعی بودن پیش‌آمد شرایط اینچنین بعد از آن همه تشدیدات در دعوت به زیارت و محدودیت‌های عالم مادی اطلاق عند را ناگزیر می‌دانند.

البته برای اثبات احکام باید حسب ادله آنها حکم برای مرتبه صدق موضوع روشن گردد و این نیز می‌تواند شناور باشد و از اینجا می‌توان بابی برای مسائل دیگر باز نمود.

* + در دعاهاى معتبر خيلى معارف وجود دارد كه انسان اين‌ها را در هيچ جا پيدا نمى‌كند؛ جز در خود همين دعاها. از جمله‌ى اين دعاها، دعاهاى صحيفه‌ى سجاديه است. در منابع معرفتى ما چيزهايى وجود دارد كه جز در صحيفه‌ى سجاديه يا در دعاهاى مأثور از ائمه (عليهم‌السّلام) انسان اصلاً نمى‌تواند اين‌ها را پيدا كند. اين معارف با زبان دعا بيان شده. نه اينكه خواستند كتمان كنند؛ طبيعت آن معرفت، طبيعتى است كه با اين زبان مى‌تواند بيان شود؛ با زبان ديگرى نمى‌تواند بيان شود؛ بعضى از مفاهيم جز با زبان دعا و تضرع و گفتگو و نجواى با پروردگار عالم اصلاً قابل بيان نيست. لذا ما در روايات و حتّى در نهج البلاغه از اين‌گونه معارف كمتر مى‌بينيم؛ اما در صحيفه‌ى سجاديه و در دعاى كميل و در مناجات شعبانيه و در دعاى عرفه‌ى امام حسين و در دعاى عرفه‌ى حضرت سجّاد و در دعاى ابوحمزه‌ى ثمالى از اين‌گونه معارف، فراوان مى‌بينيم. ( 17/07/1384- بيانات در ديدار اعضاى هيئت دولت)

اینجا مؤلفه‌های دخیل نسبی است و تنافی تعابیر « اصلاً قابل بيان نيست» و « کمتر می‌بینیم» ناشی از همین مسئله است. معارف عالیه امکان طرح در غیرقالب دعا را دارند اما محدودیتی مانند امکان سوءفهم مخاطبان و یا قصور فهم ایشان موجب ابا یا بی‌رغبتی از القای این معارف در این قالب می‌شود برخلاف حال دعا که فضای حاکم بر روح دیگران حین خواندن این ادعیه مانع از سوءفهم می‌شود و قصور در فهم هم حاظر نیست[[2]](#footnote-2). بلکه رغبت در رسانیدن معارف به اهل، انتخاب بهترین و سالمترین الگو را لازم می‌دارد. طبیعی است که اگر عاملی مانند قالب القا در ظرفیت القای معانی اثرگذار باشد پس در استظهار نیز اثرگذار خواهدبود و مستمع مجاز است در این قالب انتظار تلقی معارف خاصی را داشته باشد. این سخن با بیان پیشین که گفته شد مستمع تیزبین حق دارد در کلام وارد در الگوهای دیگر نیز تلقی ظرائف بنماید، منافی نیست چراکه گفته شد سطوح استظهار باتوجه به مراتب ادراک شناور است و همه حجت است.

* + ابن أبي عمير قال: سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر ع يقول لما ولد الرضا ع- إن ابني هذا ولد مختونا طاهرا مطهرا و ليس من الأئمة ع أحد يولد إلا مختونا طاهرا مطهرا و لكنا سنمر عليه الموسى لإصابة السنة و اتباع الحنيفية.[[3]](#footnote-3)

حکم وجوب قطع+؟=ندب امرار موسی

بدواً به‌نظر می‌رسد عنوان امر به قطع غلاف عقلاً با انتفای موضوع، منتفی است پس امر به امرار موسی بر موضع غلاف نوعی حکومت توسیعیه در عقد الحمل است گرچه موجب تنزل حکم از وجوب به ندب شده است. دلیل حاکم قطع وجدانی هر متشرعی است به رجحان تشبیه افعال خود به مطلوبات محبوب جلّ شأنه. این حکومت در نظام محبت به‌خوبی ادراک می‌شود و لذا برای کسی که نسبت به دلیل محکوم هیچ احساس محبتی ندارد، شاید استحباب امرار ثابت نباشد. این دلیل، لبی است و تعیین دقیق موضوع آن نیازمند پژوهشی درخور است[[4]](#footnote-4).

* أخرج عبد بن حميد عن حسين بن ثابت رضى الله عنه قال‏ جاء رجل إلى على بن حسين فسأله عن رجل قال ان تزوجت فلانة فهي طالق قال ليس بشي‏ء بدأ الله‏ بالنكاح‏ قبل الطلاق فقال‏ يا أيها الذين آمنوا إذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن‏[[5]](#footnote-5)

يا أيها الذين آمنوا إذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن +؟= لیس بشیء

آیه با لحاظ جایگاه حساس تقنین دلیل چنین نکته‌ای می‌تواند باشد و الله العالم.

استظهار، مقدمات عقلیه، قرینه، حکومت توسیعیه

1. ## . مخفی نماند که ادراک اضطرار در حصول حال باطنی مؤثر است چنانچه از عبارت مرحوم فقید نیز برداشت می‌شود.

   [↑](#footnote-ref-1)
2. ## . گفته نشود که حال داعی نیز اجازه لحاظ محظور نمی داده است چراکه قدرت آن نفوس عالیه اجازه جمع بین وظایف و من جمله مراعات حال ضعفای ناس را می دهد چنانچه می‌بینیم که در احوال ایشان دلال و اظهار شطحیات حداقلی است به‌نحوی که در طول تاریخ مفسده‌ای بر تقصیر ایشان بار نشده است و غلو غالیان از ایشان نیست.

   [↑](#footnote-ref-2)
3. ## . وسائل الشيعة، ج‏21، ص: 438

   [↑](#footnote-ref-3)
4. ## . بعد از کلاس نکته‌ای به ذهن رسید و آن اینکه اینجا توسعه در حکم برای موضوع جدید اتفاق نیفتاده است بلکه توسعه در مایمتثل به اتفاق افتاده است یعنی سنة و حنیفیة دو مصداق ندارد بلکه یک مصداق دارد و آن ختان است برای اغلف و امرار موسی است برای طاهرالمولد و دومی مستقل از اولی نیست بلکه رشحه اوست و این وجود ثانوی ناشی از توسعه در مصداق امتثال اولی است و الله العالم.

   [↑](#footnote-ref-4)
5. ## . الدر المنثور فى التفسير بالماثور، ج‏5، ص: 207

   [↑](#footnote-ref-5)